



طلاق درمانی

کد مطلب : ۳۹۹۶ - تاریخ انتشار : شنبه ۲۶ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۵:۲۶

امیر فیروزی راد

مالزی کشوری اسلامی است و بیشتر خبرهایی که ما از آن می‌شنویم، درباره پیشرفت اقتصادی یا رشد صادرات این کشور است، و یا گاهی خبری از سفر یک دوست یا قوم و خویشی جوان به آن، که برای ادامه تحصیل به‌جای آمریکا و اروپا به یک کشور اسلامی آسیایی سفر کرده است. اما مالزی قصه‌های زیادی هم دارد که آن قصه‌ها معمولاً در میان سایر خبرها گم می‌شوند. برای مثال، اینکه امروزه تقریباً در هر ۵۱ دقیقه یک زوج مسلمان مالزیایی از یکدیگر جدا می‌شوند و یا اینکه مالزیایی‌ها که چند سالی است با تکنولوژی مدرن روز آشنایی پیدا کرده‌اند، تنها در ایالت سلانگور در سال ۲۰۰۲ ۹۰۰ شاهد چهار هزار و ۶۱۴ مورد طلاق از طریق ارسال اس‌ام‌اس به دادگاه بوده‌اند. برای بررسی موضوع طلاق و دلایل و قوانین مربوط به آن در مالزی، ابتدا نگاهی به ساختار سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این کشور و تاریخ آن می‌اندازیم.

ساختار جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی

کشور مالزی با مساحت ۳۲۹۸۷۴ کیلومتر مربع و به پایتختی کوالالامپور، در جنوب شرق آسیا قرار دارد. جمعیت این کشور در سرشماری سال ۲۰۱۰ بالغ بر ۳۲۸ میلیون نفر بوده است و رشد جمعیت سالانه آن نیز برابر با ۷۱ درصد. از نظر قومیتی، ۳۵۳ درصد جمعیت این کشور مالایی، ۲۶ درصد چینی، ۱۱ درصد بومی، ۷۷ درصد هندی و ۲۱ درصد از سایر اقوام هستند. دریای جنوبی چین، این کشور را به قسمت پنینسولا مالزی و بونیومالزیایی تقسیم کرده است. مالزی با تایلند، اندونزی و برونئی مرز زمینی دارد و با سنگاپور، ویتنام و فیلیپین نیز مرز دریایی. از نظر مذهبی نیز مالزی کشوری متنوع است. ۴۶۰ درصد جمعیت مالزی مسلمان، ۲۱۹ درصد بودایی، ۱۹ درصد مسیحی، ۳۶ درصد هندو و پنج درصد نیز معتقد به سایر ادیان یا بی‌دین هستند. اسلام دین رسمی کشور مالزی است، اما آزادی دین و عقیده تحت بخش‌های سکولار قانون اساسی این کشور تضمین شده است. زبان رسمی کشور مالزی، باهاسامالایا است، اما زبان‌های چینی، انگلیسی، تامیل و بومی نیز رواج دارد. (Bahasa Melaya) سوادآموزی در کشور مالزی اجباری است و ۵۹۳ درصد مردم باسواد هستند. نرخ مرگ و میر کودکان در سال ۲۰۰۷ برابر با ۷۶ نفر در هر هزار کودک بوده است و امید به زندگی نیز در میان زنان ۴۷۶ سال و مردان ۹۷۱ سال است. همچنین نیروی کار شاغل در این کشور در سال ۲۰۰۷ بالغ بر ۸۹۱۰ میلیون نفر بوده است که در این میان ۵۷ درصد در بخش خدمات، ۲۸ درصد صنعت (۱۹ درصد کارخانه‌ها و ۹ درصد معدن و ساخت و ساز) و ۱۵ درصد در بخش کشاورزی مشغول به کار بوده‌اند.

تاریخ مالزی

نام کشور مالزی احتمالاً از کلمه‌ای در زبان سانسکریت (کلمه مالایور) به معنی سرزمین کوه‌ها گرفته شده است. همچنین در زبان تامیل هم کلمه‌ای تقریباً مشابه با همین معنی وجود دارد. علاوه بر اینها نام مالزی می‌تواند برگرفته از نام سلسله پادشاهی مالایو باشد که در بین قرون هفتم تا سیزدهم میلادی در منطقه سوماترا حکومت می‌کرده‌اند. در ۱۹۷۵ فدراسیون مالایا از فدراسیون پنینسولا اعلام استقلال کرد. در ۱۹۶۳ نام مالای به مالزی تغییر یافت، آن‌هم به افتخار پیوستن سه فدراسیون جدید سنگاپور، بونئو جنوبی و سرواک که فدراسیون جدیدی را تشکیل دادند. اما اینها بخش‌هایی از تاریخ جدید مالزی است و شواهد وجود حیات انسانی در سرزمین‌هایی که امروز مالزی نامیده می‌شود به چهل قرن پیش باز می‌گردد.

در اوایل قرن اول میلادی، تجار و مهاجران هندی و چینی اولین گروه افراد غیربومی بوده‌اند که به این سرزمین قدم گذاشتند. این مهاجران تا قرن دوم و سوم میلادی، شهرها و بنادر تجاری را تأسیس کردند. آنها تأثیرات فرهنگی و مذهبی خود را هم داشته‌اند و اهالی مالای پنینسولا که بخشی از کشور مالزی کنونی است تحت این تأثیرات به ادیان هندوئیسم و بودیسم گرایش پیدا کردند. شایان ذکر است که در کشور مالزی کتیبه‌هایی به زبان سانسکریت مربوط به قرون چهارم و پنجم میلادی پیدا شده است. نفوذ و ورود اسلام به مالزی نیز به قرن پانزدهم و دوران پادشاهی پارمس وارا - پادشاه مالاکا (بخشی از کشور مالزی امروزی) که به دین اسلام گروید و در بسط و تبلیغ آن کوشش‌های

زیادی کرد- بازمی‌گردد. او یکی از شاهزادگان امپراتوری سریویجایان بود که از قرن هفتم تا سیزدهم میلادی در مناطق گسترده‌ای از شرق آسیا تسلط داشتند.

در ۱۵۱۱ پرتغالی‌ها مالاکا را اشغال کردند و در ۱۶۴۱ هلندی‌ها بر آنجا تسلط یافتند. در ۱۷۸۶ نیز امپراتوری بریتانیا وارد منطقه مالایا شد. دلیل ورود بریتانیایی‌ها هم این بود که پادشاه منطقه پنانگ منطقه‌ای از مناطق تحت سلطنت خود را به کمپانی هند شرقی اجاره داده بود.

در ۱۸۱۹ بریتانیا بر سنگاپور مسلط شد و در ۱۸۲۴ براساس معاهده‌ای با هلندی‌ها تسلط خود را تا مالاکا گسترش داد. این روند ادامه پیدا کرد تا جایی که بریتانیا در ۱۸۲۶ به‌طور مستقیم بر مالاکا، پنانگ و سنگاپور سلطه پیدا کرده و آن مناطق را مستعمره خود کرده بود. در اوایل قرن بیستم، ایالت‌های پهناگ، سالانگور، پراک و نگری سمبیلان، ایالت‌های فدراتیو مالای را تشکیل دادند. در جریان جنگ جهانی دوم، ژاپنی‌ها مالایا، صباح، سرواک و سنگاپور را برای بیش از سه سال اشغال کردند. در طول این مدت، درگیری‌های قومی رو به فزونی گذاشت و ناسیونالیسم رشد کرد. با شکست ژاپنی‌ها در جنگ جهانی دوم و اشغال مجدد این مناطق، این‌بار توسط متفقین، حمایت عمومی از حرکت سیاسی برای کسب استقلال رشد بیشتری یافت. فعالیت‌های سیاسی در این دوره با مبارزه مسلحانه چریکی علیه انگلیسی‌ها به رهبری حزب کمونیست مالایایی همراه شد. در ۱۹۶۳ صباح، سرواک و سنگاپور به صورت فدرالی مالزی را تشکیل دادند. مستقل شدن مالزی در آن سال‌ها موجب بروز تنش‌هایی با اندونزی شد. در ۱۹۶۵ سنگاپور از این مجموعه فدرالی خارج شد.

سیاست، اقتصاد و فرهنگ

مالزی دارای حکومت دموکراسی پارلمانی فدرال با سلطنت مشروطه است. این کشور شامل ۱۳ ایالت و سه بخش فدرال است و هر ایالت نیز دارای مجلس و دولت محلی تحت هدایت رئیس هیات دولت جداگانه خود است. در ۹ ایالت از ۱۳ ایالت کشور مالزی «سلطان» ایالتی وجود دارد که همه این سلطان‌ها تحت قانون مشروطه و تشریفاتی هستند.

در سطح ملی نیز پادشاه مالزی وظایف صرفاً تشریفاتی دارد و مهم‌ترین شخص سیاسی کشور نخست‌وزیر است. سیستم قانونی این کشور شباهت زیادی به سیستم حکومت انگلستان دارد. در این سیستم، قوه قضاییه مستقل است.

دادگاه فدرال مهم‌ترین دادگاه در مالزی است و پس از آن، دادگاه استیناف و دو دادگاه عالی قرار دارند. برای مسلمانان نیز علاوه بر دادگاه مدنی(که برای همه افراد با تابعیت مالزیایی وجاهت قانونی دارد) نیز وجود دارد.

دادگاه شریعت به‌طور موازی با سیستم معمول قضایی مالزی عمل می‌کند. این دادگاه در مواردی که پای مسلمانان در میان باشد و در پرونده‌های مربوط به ازدواج، طلاق، وراثت، حضانت، ترک دین و مباحث مذهبی حق تصمیم‌گیری دارد.

آزادی مذهبی در قانون اساسی مالزی تحت اصل آزادی مذهب مورد احترام است، اما در مجموع بحث بر سر سکولار یا اسلامی شدن جامعه و دادگاه‌ها در مالزی موضوع داغی است. برخی ایالت‌ها در این کشور تحت کنترل احزاب اسلام‌گرا هستند، اما دولت فدرال در حد این‌گونه دولت‌های محلی اسلام‌گرا نیست، هرچند دین رسمی مالزی اسلام است. بیشتر مسلمانان مالزیایی به اسلام شافعی معتقد هستند.

از نظر اقتصاد، مالزی یکی از بهترین رکوردها را در میان کشورهای آسیایی دارد. میانگین رشد تولید ناخالص داخلی این کشور از ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۵، برابر با ۵۶ درصد بوده است. تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۱۰ برابر با

۳۲۵۵ میلیارد دلار و حجم صادرات آن در همین سال ۳۲۱۰ میلیارد دلار بوده است.

مالزی در دوران نخست‌وزیری ماهاتیر محمد و از دهه ۸۰ میلادی به بعد، شاهد سال‌های رشد اقتصادی سریع و رشد چشمگیر شهرنشینی بوده و اقتصاد کشاورزی این کشور در این دوران به‌تدریج به اقتصادی صنعتی تبدیل شده است.

این کشور بیست و نهمین اقتصاد بزرگ جهان است؛ هرچند بحران اقتصادی اواخر دهه ۹۰ میلادی در اقتصاد شرق آسیا به مردم مالزی هم صدمات زیادی را وارد کرد.

توریسم نقش مهمی در اقتصاد مالزی دارد و این سومین صنعت درآمدزا را در این کشور لقب گرفته است. مالزی همچنین مرکز بانکداری اسلامی است و علاوه بر این، بالاترین آمار زنان شاغل در بخش بانکداری را در میان کشورهای اسلامی دارد.

بنیان‌های فرهنگ مالزی تحت‌تأثیر فرهنگ بومیان این سرزمین قرار دارد؛ بومیانی که به‌صورت قبیله‌ای زندگی می‌کردند. همچنین فرهنگ مالایی که به این سرزمین مهاجرت کرده بودند، تأثیرات خاص خود را داشته است.

تجار مهاجر چینی و هندی هم تأثیر فرهنگی زیادی روی زندگی مردم مالزی داشته‌اند. علاوه بر اینها، فرهنگ‌های دیگری چون فرهنگ ایرانی، عربی و بریتانیایی کم یا بیش تأثیرات خود را داشته‌اند.

در ۱۹۷۱ دولت مالزی یک «سیاست ملی فرهنگی» را برنامه‌ریزی و اجرا کرد که پایه آن بر فرهنگ بومیان بنا گذاشته شده بود و تا حدود زیادی مخالف فرهنگ‌های خارجی و مهاجر بود. در این برنامه فرهنگی، فرهنگ اسلامی نیز نقش پررنگی داشت. البته این برنامه فرهنگی مقاومت گسترده‌ای را در میان اقوام غیرمالایی اهل این کشور برانگیخت که این سیاست فرهنگی را سیاسی غیردموکراتیک می‌دانستند.

طلاق در مالزی مدرن

با توجه به فرهنگ اسلامی و سنتی کشور مالزی، باور عمومی شاید این‌گونه باشد که طلاق نمی‌تواند پدیده اجتماعی طبیعی و رویدادی با عمومیت بالا در این کشور باشد، اما با ورود مالزی به دنیاهای جدیدی که همراه رشد صنعتی و اقتصادی و همچنین افزایش شهرنشینی بوده است، پدیده طلاق هم در میان زوج‌های مالزیایی گسترش زیادی پیدا کرده است.

براساس یک تحقیق گسترده دانشگاهی که بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ در مالزی انجام شده، آمار طلاق در میان مسلمانان و غیرمسلمانان مالزیایی از ۶۲ تا ۱۹۷ درصد در تغییر بوده است. مثلاً در سال ۲۰۰۰ در برابر ۶۱۲۹۰ مورد ازدواجی که میان غیرمسلمانان مالزیایی ثبت شده، ۱۶۱۳ مورد طلاق هم اتفاق افتاده است. اما کفه ترازو در تناسب آمار ازدواج و طلاق در میان غیرمسلمانان مالزیایی در طول این دوره پنج‌ساله به طور مرتب اما آرام به سمت افزایش نرخ طلاق در حال سنگین‌تر شدن بوده و در سال ۲۰۰۵ در برابر ۵۲۸۷۷ مورد ازدواج ۳۸۰۴ مورد طلاق روی داده است.

جالب است که بدانید آمار طلاق در میان مسلمانان مالزی بسیار بالاتر از آمار غیرمسلمانان هموطن ایشان است. در همین فاصله زمانی(۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵) آمار طلاق

مسلمانان مالزی ۴۱۴ تا ۵۱۵ درصد بوده است. مثلاً در سال ۲۰۰۰ در برابر ۹۱۹۹۰ مورد ازدواج ۱۳۵۳۶ مورد طلاق هم به ثبت رسیده است.

نرخ طلاق در میان مسلمانان مالزیایی در این دوره پنج‌ساله تقریباً به‌طور مرتب روبه افزایش گذاشته است تا در سال ۲۰۰۵ تعداد ازدواج‌ها و طلاق‌های ثبت شده به ۱۱۰۹۵۱ و ۱۷۲۱۲ مورد برسد.

در مجموع، آمار کلی طلاق در این دوره پنج‌ساله از ۹۹ درصد به ۸۱۲ درصد رسیده است که هم آمار بالایی است و هم رشد زیادی داشته است. با وجودی که این آمار در برابر نرخ طلاق در برخی کشورهای توسعه‌یافته مانند کانادا (با ۴۸ درصد در سال ۱۹۹۵) و آلمان (با ۴۴ درصد در سال ۱۹۹۷) نسبتاً پایین است، اما باعث نگرانی محققان اجتماعی در کشور مالزی شده است.

در مجموع، در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ آمار ازدواج در میان غیرمسلمانان مالزیایی روبه کاهش گذاشته، درحالی که نرخ طلاق در میان این دسته افزایش یافته است. برخلاف این گروه، آمار ازدواج و طلاق در میان مسلمانان در این دوره زمانی تقریباً تناسبی ثابت داشته است.

سه دلیل که در این تحقیق به‌عنوان دلایل اصلی طلاق در مالزی عنوان شده است، بی‌وفایی همسر، بی‌رنگ‌شدن عشق میان دو نفر و مشکلات احساسی بوده‌اند. عوامل دیگر هم مصرف مواد مخدر، اختلاف با اعضای خانواده همسر، مشکلات ارتباطی، ازدواج در سن بسیار پایین و مشکلات شغلی بوده‌اند.

دولت مالزی در سال‌های اخیر سعی کرده آموزش‌های پیش از ازدواج را با کمک اتحادیه‌ها و سازمان‌های غیردولتی در سرتاسر کشور اجرا کند تا مشکلات پس از ازدواج و رشد آمار طلاق را کنترل کند. یکی از دلایل ثابت نسبی نرخ طلاق در میان مسلمانان مالزیایی نیز اجرای همین برنامه بوده است.

اداره توسعه اسلامی مالزی هم در تحقیقی، دلیل ۲۱ درصد طلاق‌ها در این کشور را رفتارهای غیرمسئولانه شوهران و زنان دانسته است. همچنین تحقیقی که از سوی دانشکده سلامت دانشگاه سنیزمالزیا کوبانک کریان در سال ۲۰۰۵ انجام شده، دخالت شخص سوم، بی‌اعتقادی در امور مذهبی، تفاوت فرهنگی، مشکلات جنسی، پولی و کاری و بی‌مسئولیتی زوجین در قبال یکدیگر، از مهم‌ترین عواملی می‌داند که باعث حضور زوج‌های مالزیایی در دادگاه برای ارائه درخواست طلاق هستند.

منتقدان قوانین خانواده و نابرابری

با وجودی که مالزی از نظر اجتماعی یکی از مدرن‌ترین کشورهای اسلامی است و از آن به عنوان یکی از الگوهای جامعه اسلامی جهانی‌شده صحبت می‌کنند، اما فعالان حقوق زنان در این کشور معتقدند بسیاری از حقوق زنان مسلمان در خانواده، زیر پا گذاشته می‌شود. این فعالان اجتماعی معتقدند که اوضاع در مالزی روبه بدتر شدن می‌رود، زیرا سیاستمداران و احزاب سیاسی سعی می‌کنند با اجرای قوانین سخت‌گیرانه‌تر و تبعیض‌آمیز اجتماعی و خانوادگی بخش محافظه‌کار مسلمانان مالزی را جذب خود کنند. مارینا محمد که یک فعال حقوق زنان و دختر ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر پیشین مالزی است، درباره شرایط امروز زنان در کشورش می‌گوید: «زنان مسلمان اینجا فقط پسرقت و عقب‌گرد می‌کنند.» برطبق قوانین مالزی برای مسلمانان، یک مرد مسلمان می‌تواند با سه بار گفتن عبارت «من تو را طلاق می‌دهم»، همسر خود را طلاق بدهد، اما یک زن مسلمان باید سعی کند تا قاضی را راضی کند که حکم طلاق او از همسرش را بدهد.

«خواهران در اسلام» یک گروه فعال مالزیایی برای اصلاح قانون خانواده برای برابری بیشتر است. این گروه معتقد است که از دهه ۹۰ تاکنون به نام اصلاح قانون خانواده و عادلانه کردن آن، تنها حقوق زنان با فریبکاری از آنها گرفته شده است. زینه انوار، مدیر این گروه، می‌گوید: «زمانی مالزی پیشروترین و توسعه‌یافته‌ترین قوانین خانواده را در دنیای اسلام داشت، اما حالا کشورهایی مثل مراکش، ترکیه و تونس از این نظر از ما پیشی گرفته‌اند.»

گروه «خواهران در اسلام» مرکز کمک‌رسانی دارد که در سال ۷۰۰ پرونده مربوط به طلاق یا حمایت از کودکان مشاوره و کمک رایگان می‌دهد. مشکل دیگر اینجاست که برداشت‌های گوناگونی از قانون شریعت در دادگاه‌های مختلف و ایالت‌های گوناگون می‌شود. برای مثال، پدری که پس از جدایی از همسر خود موظف به پرداخت هزینه‌های نگهداری از فرزند خود است، گاهی می‌تواند با مهاجرت از ایالتی که محل سکونت او و محل صدور حکم مسئولیت حمایت مالی از فرزندش است، به ایالتی دیگر که قوانین شریعت در آن با برداشتی متفاوت اجرا می‌شود، از حکم حمایت مالی از فرزند خویش خلاصی یابد.

در مالزی دو ایالت هم وجود دارند که قانون عصر حجری در آن اجرا می‌شود که به موجب آن پدر حق دارد بدون رضایت فرزند دختر خود او را به عقد فردی که خود می‌پسندد درآورد.

شرایط درخواست طلاق در مالزی

برای درخواست طلاق در مالزی باید دست‌کم دو سال از تاریخ ازدواج رسمی زوجین گذشته باشد.

البته یک قاضی می‌تواند پرونده طلاقی را پیش از پایان دوره دو ساله پس از ازدواج مورد بررسی قرار دهد، اما برای این منظور باید یک مورد استثنایی یا مشکل دردرساز جدی برای فرد درخواست‌کننده طلاق وجود داشته باشد. هرچند با وجود این دلایل هم قاضی می‌تواند با توجه به مصلحت فرزند یا فرزندان و یا احتمال حل مشکل میان زوجین تا پایان فاصله زمانی دوساله پس از ازدواج، کیفرخواست طلاق از سوی خوانده را نپذیرد.

طلاق در صورت گرویدن به اسلام

وقتی یکی از زوجین مسلمان شود، همسر وی که مسلمان نیست می‌تواند دادخواست طلاق را به دادگاه ارائه دهد، اما حتماً باید دست‌کم سه ماه از تاریخ تغییر دین فرد گذشته باشد.

دادگاهی که در مورد چنین پرونده‌ای تصمیم‌گیری می‌کند، می‌تواند پیش‌بینی‌های لازم را برای وضعیت مالی زن و مرد یا حضانت و هزینه نگهداری از فرزندان به عمل آورد.

طلاق با رضایت دوجانبه

در صورتی که هم زن و هم شوهر بطور دوجانبه به این نتیجه برسند که ازدواج‌شان باید فسخ شود و در صورتی که دو سال از تاریخ رسمی ازدواج آنها گذشته باشد، می‌توانند دادخواست مشترکی را به دادگاه ارائه بدهند. دادگاه نیز اگر مطمئن شود که هر دو نفر به طور آزادانه این درخواست را ارائه داده‌اند و همه پیش‌بینی‌های لازم درباره مسائلی چون حمایت از زن، حضانت و حمایت مالی و تربیتی از فرزندان انجام شده

طلاق با درخواست یک طرفه

هر یک از طرفین ازدواج می‌توانند درخواست طلاق را به این دلیل که ازدواج‌شان به شکل علاج‌نشدنی با شکست مواجه شده است، به دادگاه ارائه دهند. دادگاه ادعای درخواست‌کننده طلاق را بررسی خواهد کرد و اگر ادعای مستدل باشد و تحقیق دادگاه درباره مسائلی که باعث به شکست انجامیدن ازدواج بوده صحت ادعای را تأیید کند، حکم به طلاق صادر خواهد شد.

اثبات ناکامی یک ازدواج

دادگاه برای اثبات ناکام بودن یک ازدواج و دادن حکم طلاق، به یک یا چند دلیل از دلایل زیر نیاز دارد: اینکه متشاک مرتکب زنا محصنه شده باشد و شاک، زندگی با وی را غیرقابل تحمل بداند. اینکه متشاک رفتارهایی را انجام دهد که شاک به‌طور مستدل نمی‌تواند امیدوار به ادامه زندگی مشترک با وی باشد. اینکه متشاک برای حداقل دو سال شاک را ترک کرده باشد. زوجین برای مدت دست‌کم دو سال دور از یکدیگر زندگی کرده باشند. در صورتی که از نظر شرایط زندگی مشترک، فضا برای صدور حکم طلاق یک‌طرفه از طرف دادگاه مناسب باشد اما شرایط حضانت، نگهداری و حمایت مالی از فرزندان در آینده از نظر دادگاه مطلوب نباشد، این احتمال وجود دارد که دادگاه به این جمع‌بندی برسد که صدور حکم طلاق صحیح نیست.

ازدواج مجدد

افراد پس از طلاق قطعی در صورت وجود شرایط زیر می‌توانند با فرد دیگری ازدواج کنند: در حکم دادگاه اجازه فرجام‌خواهی به حکم داده نشده باشد. فرصت فرجام‌خواهی به پایان رسیده باشد. درخواست فرجام‌خواهی ارائه شده باشد، اما دادگاه پس از بررسی، حکم پیشین را تأیید کرده باشد.

نفقه

دادگاه این قدرت قانونی را دارد که حکم به پرداخت نفقه را از طرف شوهر به زن و حتی زن سابق شوهر بدهد. این حکم می‌تواند در طول دوران انجام پروسه طلاق در دادگاه و یا پس از تأیید حکم طلاق یا جدایی با حکم قضایی صادر و اجرا شود. دادگاه همچنین می‌تواند حکم به پرداخت نفقه از سوی زن به شوهر یا شوهر سابق را بدهد و این اتفاق در شرایطی روی می‌دهد که او به‌خاطر صدمه بدنی یا روانی و یا بیماری عاجز(به‌طور کامل یا تاحدودی) از تأمین هزینه‌های زندگی خود باشد.

مقدار نفقه

دادگاه برای تعیین مقدار نفقه‌ای که توسط مرد یا زن بایستی پرداخت شود، به هزینه‌های جاری زندگی فرد نفقه‌گیرنده نگاه می‌کند و برای تصمیم‌گیری به درآمد فرد نفقه‌دهنده توجه نخواهد کرد. اما در حکم دادگاه در مورد نفقه این موضوع که تأثیر طرفین در به‌شکست انجامیدن ازدواج تا چه حد بوده است، می‌تواند برای تعیین مقدار دقیق نفقه مورد توجه قرار گیرد. نفقه در موارد طلاق به‌طور معمول تا زمانی که فرد نفقه‌گیرنده با شخص دیگری ازدواج یا زندگی مشترک جدیدی را نداشته باشد، ادامه می‌یابد.

حضانت

از نظر قانون مالزی، فرزندان زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شوند و تصمیم‌گیری در مورد آنها در پرونده‌های طلاق برعهده دادگاه است. دادگاه می‌تواند حکم به دادن حضانت به پدر یا مادر را بدهد. همچنین در موارد خاص این احتمال وجود دارد که دادگاه حضانت فرزندان را به هیچ‌یک از والدین واگذار نکند. از نظر دادگاه، در مسئله حضانت، آسایش فرزند اهمیت زیادی دارد. همچنین نظر مادر و پدر در مورد چگونگی حضانت و شخصی که این مسئولیت را برعهده دارد، برای دادگاه مهم است. در مورد کودکان زیر هفت سال ترجیح معمول در دادگاه‌ها این است که حضانت به مادر داده شود.

نفقه برای فرزندان

دادگاه این توانایی را دارد تا در هر زمانی پدر را مجبور کند که هزینه نفقه برای نگهداری از فرزند یا فرزندان خود را پرداخت کند. این اتفاق می‌تواند تحت شرایط زیر روی دهد: اگر پدر از پرداخت هزینه نگهداری فرزندان امتناع کند. اگر پدر زن و فرزند خود را ترک کند و شرایطی پیش بیاید که مادر مجبور به پرداخت هزینه‌های زندگی فرزندش شود. در دوران بلاتکلیفی حین جاری بودن پروسه قانونی طلاق.

دادگاه همچنین می‌تواند حکم به پرداخت هزینه‌های نگهداری از فرزندان توسط مادر را هم صادر کند، اما این اتفاق در شرایطی روی می‌دهد که

این کار مستدل باشد و مادر نیز از نظر مالی امکان انجام آن را داشته باشد.

برچسب ها : طلاق ، طلاق در کشورهای دیگر



این مطلب را در شبکه های اجتماعی به اشتراک بگذارید :

نظرات کاربران

اولین فردی باشید که در مورد این مطلب نظر می دهید

نظر شما

نظرات پس از تأیید نمایش داده می شوند. نظرات ارسالی نباید حاوی عبارات نامناسب، توهین به نظام یا مقدسات و یا دارای بار حقوقی باشند.



نام و نام خانوادگی :

ایمیل :

نظر :

کد امنیتی :



لطفا عدد

چهاررقمی بالا را درون کادر وارد نمایید

ارسال نظر

کلیه حقوق این وب سایت محفوظ و متعلق به ماهنامه سپیده‌دانی است.

تمامی کالاها و خدمات این فروشگاه حسب مورد دارای مجوزهای لازم از مراجع مربوطه می باشند و فعالیت این سایت تابع قوانین و مقررات ج

